

ارغنون جان

زبان و ادبیات فارسی

(ویژه فارسی عمومی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی)

مؤلفان:

دکتر سهیلا صادقی

دانشگاه علوم پزشکی همدان

دکتر مژگان اسکندری

سرشناسه	: صادقی، سهیلا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: ارغنون جان، زبان و ادبیات فارسی (ویژه فارسی عمومی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی)/ مولفان سهیلا صادقی، مژگان اسکندری.
مشخصات نشر	: همدان: انتشارات دانشجو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۳ ص.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال - ۹۶۴-۵۴۳-۰۹۶-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۰ - ۲۶۳.
موضوع	: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian literature -- Collections
موضوع	: فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian poetry -- Collections
موضوع	: ستاره‌ی مری -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian fiction -- Collections
شناسه افزوده	: اسکندری، مژگان - ۱۳۴۲ -
رده بندی کنگره	: PIR ۴۰۰۵/ص ۲ الف ۳۹۸
رده بندی دیویی	: ۸۸/۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۵۸۷۸۳

عنوان: ارغنون جان

نویسندگان: دکتر سهیلا صادقی - دکتر مژگان اسکندری

ناشر: دانشجو

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

چاپ: روشن

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: تبلیغات آپادانا

قیمت: -/۱۰۰/۰۰۰ ریال

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: وزیری

حق چاپ برای مولفان محفوظ است.

پس عدمِ گرمِ عدم، چون ارغنون
گویدم که انسا إلیه راجعون
(مولوی)

و چرا «ارغنونش» نام نهادیم؟

ارغنون، حال سازی است که از جان برآمده و لاجرم بی آن که شاعر بخواهد بر جان می نشیند. این را می سوزاند و می سازد. سازی است که آوایش از هشت هزار لوله برآید با آوازه های موافق و مخالف. ارغنونِ دل و جانِش نام نهادیم؛ چراکه از سینه صدای ارغنون می آید، ما نیز چون عدم شویم ارغنون می گردیم. این سخن شعر پاریسی است که ارغنون می شود، مزامیر می شود، معجزه می کند، ساز خوش خلقت می شود.

دل در موسیقی معنوی این سخنان به شعر شعور و عرفان معرفت می رسد، و به وادی ایمن می رسد. دل اگر شعور داشته باشد، لمس های خشونت و تنگ نظری و دنیا دوستی را از پای در می آورد و خدای صاحب کلام را می بیند. دل زیر باران آن کلمات چتر عادت را می بندد و می گزیند تا جیس شود. اینها حکایت نیاز دل و تمنای آلتی وجودند. کلامی هستند که از صاحب کلام به وسیله ی جان های سوخته به ظهور آمده اند و مردم شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی و علم را همه با خود دارند، تا تو دانشجوی عزیز از این ارغنون چه به گوش دلت رسد...!؟

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	سرآغاز
۲۱	فصل اول: حوزه ادبیات کلاسیک (نظم و نثر)
۲۳	رودکی
۲۵	ابوالحسن خرقانی
۲۷	فردوسی
۳۰	باباطاهر
۳۲	ناصر خسرو
۳۶	سنائی
۳۸	خیام
۴۱	محمد بن منور
۴۴	انوری
۴۷	رشیدالدین میبدی
۴۹	خواجہ عبداللہ انصاری
۵۲	عین القضاة ہمدانی
۵۵	محمد غزالی
۵۸	عطار
۶۲	سعدی
۶۶	عراقی
۶۹	مولوی
۷۶	نجم الدین رازی
۷۹	عبید زاکانی
۸۱	حافظ
۸۵	حزین

۸۷.....	صائب تبریزی
۸۹.....	فروغی بسطامی
۹۱.....	فصل دوم: حوزه ادبیات معاصر (شعر)
۹۳.....	اقبال لاهوری
۹۵.....	بهار
۹۷.....	پروین
۹۹.....	شهریار
۱۰۲.....	محمد رهن معیری
۱۰۵.....	گلچین گری
۱۰۷.....	نیما یوشیج
۱۱۱.....	مهدی اخوان ثالث
۱۱۷.....	سیاوش کسرائی
۱۱۹.....	احمد شاملو
۱۲۴.....	فروغ فرخزاد
۱۲۸.....	فریدون تولّی
۱۳۱.....	مهدی حمیدی شیرازی
۱۳۴.....	منوچهر آتشی
۱۳۷.....	سیمین بهبانی
۱۴۲.....	سهراب سپهری
۱۴۴.....	محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۴۸.....	فریدون مشیری
۱۵۲.....	هوشنگ ابتهاج
۱۵۴.....	نادر نادرپور
۱۵۷.....	قیصر امین پور
۱۶۱.....	محمدعلی بهمنی

۱۶۳	حسین منزوی
۱۶۵	علیرضا قزو
۱۶۶	علی موسوی گرمارودی
۱۷۰	سیدحسن حسینی
۱۷۴	فاضل نظری
۱۷۷	فصل سوم: حوزه ادبیات معاصر (داستان)
۱۷۹	داستان نویسی
۱۹۰	سیدمحمد علی جمالزاده
۱۹۴	صادق هدایت
۲۰۷	جلال آل احمد
۲۱۳	سیمین دانشور
۲۱۷	احمد محمود
۲۲۰	گلی ترقی
۲۲۲	اسماعیل فصیح
۲۲۷	جمال میرصادقی
۲۳۰	منیر و روانی پور
۲۳۳	محمود دولت آبادی
۲۳۸	کتاب نامه

سرآغاز :

ادبیات، اصطلاحی جامع برای شعر، رمان، نمایشنامه، داستان کوتاه و نثر است، و نیز به هر اثر مکتوبی با هدف هنری ادبیات گفته می‌شود.

یاکوبسن فرمالیست روسی می‌گوید: «ادبیات هجومی سازمان یافته بر سخن عادی است.» یا «ادبیات محصول برخورد هنری، هنرمند، با زبان معیار است.» همچنان که آنتونی، برخورد هنری هنرمند با طبیعت است و موسیقی، زاینده‌ی نگاه هنری هنرمند به اصوات است. بنابراین وقتی در باره‌ی ویژگی‌های یک اثر ادبی خواه نظم و خواه نثر، صحبت می‌کنیم درباره‌ی ادبیّت آن نظر داده‌ایم.

ادب درس و ادب نفر :

علم و ادب را از لحاظ تأثیری که در باروری ذهن ادب آموز و دانایی و توانایی او در آفرینش آثار ادبی مطلوب، ادب فصاحت و بلاغت، هم چنین به سبب اثراتی که در تلطیف روح و شکوفایی فضایل اخلاقی انسان دارد، به ادب درس و ادب نفس تقسیم کرده‌اند. ادب درس (اکتسابی) شامل دانش‌هایی از قبیل: لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، ترابیع، خط و... است. آموختن این علوم که به منزله‌ی ارکان ادب اکتسابی به شمار می‌روند، ساختمان کلام بلیغ و شیوایی نوشتار و گفتار مبتنی بر آنها است، بر طالبان ادب لازم است، چه بدون آشنایی با این علوم نه قدرت تشخیص نقاط قوت و ضعف کلام و نقد و ارزشیابی آثار ادبی برای کسی میسر می‌شود، و نه امکان آفرینش ادبی. منظور از ادب نفس یا ادب طبعی، تهذیب نفس یا کمال نفسانی و اخلاقی و آراستگی به صفات و اخلاق پسندیده است که در حقیقت باید هدف و نتیجه ادب اکتسابی باشد و از دستیابی به آن مسؤولیت و تعهد شخص ادیب، نویسنده، شاعر یا

سخنور، به وجود آید.

ادبیات جلوه‌گاه اندیشه ملت‌ها

شاعران و نویسندگان و سخنوران که آفریننده‌ی کلام زیبا در قالب شعر و نثر هستند، هنرمندند و آثار ادبی هر ملت نیز گنجینه‌ای است از مظاهر هنری افراد آن ملت که در تحریک اندیشه و احساس انسان‌ها قدرتی نافذ و پایدار ایجاد می‌کند و این آثار از لوازم زندگی ملت‌هایی است که از تمدن برخوردارند، زیرا هم چنان که علم ریاضی و منطق، تعقل را پرورش می‌دهد، آثار ادبی ذوق و احساس را جلا و دقت خاص می‌بخشند و در تربیت نفس و خردمندی و باروی ذهن نقشی مؤثر دارد. ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و کلمات، مصالح و موادی هستند که شاعر و نویسنده با بهره‌گیری از عواطف و تخیلات خویش آن‌ها را به کار می‌گیرد و اثری ادبی پدید می‌آورد. در آثار ادبی، نویسنده و شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف هنری خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این آثار همان گفته‌ها و نوشته‌هایی هستند که مردم در طول تاریخ آن‌ها را شایسته نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدن آن‌ها لذت می‌برند. زبان و ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تعالیم و روحیات یک جامعه است.

انسان‌ها در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره جسته‌اند و از ادبیات که زبان برتر است به عنوان ابزاری در انتقال بهتر، بایسته‌تر و مؤثرتر اندیشه‌ی خود استفاده کرده‌اند. ادبیات، در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته است. به همین دلیل هر اندیشه‌ای که در قالب مناسب

خویش ریخته شود پایا و مانا خواهد بود. ادبیات، مکتوب شده فرهنگ است. فرهنگی که در جان و ذهن و روح انسان‌ها است. حال این ادبیات ممکن است در تجلی اول خود صورت شفاهی داشته باشد یا کتبی. اما امروزه وقتی از ادبیات نام می‌بریم معمولاً صورت کتبی آن را در نظر می‌آورند. اما این همه ادبیات نیست؛ یعنی ادبیات شفاهی هم بسیار مهم است، ادبیاتی که کتابش حافظه‌ی ذهن انسانی است و خیال می‌تواند آن را ضبط و ربط دهد. از همان ابتدای زندگی انسان و پیدایش زبان و خط، ادبیات به عنوان وسیله‌ای برای بروز احساسات و عطف رونی بشر به وجود آمد. حتی نقاشی‌هایی که بر دیواره‌های غارها، خود را بیانگر نوعی علاقه انسان به روایت رویدادها، بیان احساسات و به تصویر کشیدن تصورات ذهنی اوست که می‌تواند به عنوان بخشی از ادبیات تلقی گردد.

ویژگی‌های مهم آثار ادبی

دکتر زرین کوب در تعریف ادبیات می‌نویسد: «به طور کلی ادبیات آن گونه سخنانی است که از حد سخنان عادی برتر و والا تر بود و مردم آن سخنان را در خور ضبط و نقل دانسته اند و از شنیدن آنها دگرگون گشته اند و احساس غم و شادی یا لذت و الم کرده اند پس واضح است که یکی از ویژگی‌های مهمی که هر اثر باید داشته باشد تا در جمله آثار ادبی به حساب آید پایداری و ماندگاری آن اثر در طول زمان است. به طور کلی اگر کسی که قصد دارد به آفرینش ادبی پردازد به هدف ادبیات که همان بیان احساسات و عواطف درونی انسان است، ناظر باشد به طور حتم اثری که خلق می‌کند دارای ویژگی پایداری (هر چند که پایداری آثار بزرگ ادبی را نداشته باشد) خواهد بود؛ زیرا عواطف بشری امری

است که دستخوش تغییر در طول زمان نمی‌شود و همواره ثابت است؛ به عنوان مثال مفهوم عشق در تمام دوران‌ها وجود داشته و همواره ستایش شده است. اگر به دو ویژگی دیگر آثار ادبی یعنی گستردگی و مقبولیت نیز بنگریم کسی می‌تواند اثری خلق کند که این سه ویژگی یعنی پایداری، گستردگی و مقبولیت را داشته باشد. حال می‌توانیم علت شباهت آثار بزرگ ادبی جهان را - با وجود تفاوت در زمان، مکان و زبان آنها - دریابیم؛ زیرا عامل به وجود آورنده‌ی همه‌ی آنها همان بیان درونیات و به عبارت دیگر آفرینش ادبی بوده است.»

بنابراین ادبیات نمود بیرونی احساسات، تفکرات و عواطف درونی انسان است که برای جلوه دادن این نمود بیرونی از زبان استفاده می‌کنیم. به طور کلی یکی از دلایل پیدایش زبان شاید همین میل انسان به بیان آنچه در درونش می‌گذرد باشد. می‌توان گفت زبان به عنوان پلی بین احساسات و ادبیات عمل می‌کند و به احساسات نمود بیرونی می‌بخشد پس بدون زبان، بیان احساسات و به طور کلی آفرینش ادبی ممکن نیست.

ادبیات به وسیله‌ی زبان بیان می‌شود و لذا نباید از تفاوت‌های اساسی که این دو با هم دارند غافل شد. در بسیاری از اوقات زیبایی و دلپذیری ادبیات به این علت است که قوائد خشک زبانی را می‌شکند و پل از آن فراتر می‌گذارد. یعنی ادبیات به زبان، صورت ادبی می‌دهد و به آن طراوت و زیبایی می‌بخشد. شاید بشود گفت که ادبیات قواعد مخصوص به خود را دارد که با قواعد زبانی متفاوت است؛ اینکه ما برای اطلاع از قواعد ادبی به کتب نقد ادبی مراجعه می‌کنیم نه دستور زبان، دلیلی برای این مطلب است.

تقسیم ادبیات از جهت شیوه بیان

ادبیات را از دیدگاه شیوه بیان و شکل ظاهری می توان به دو دسته کلی نظم و نثر تقسیم کرد، که هر کدام شامل بخش های کوچک تری هستند. نظم و شعر از نظر ظاهری به وسیله قالب های شعری: غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، شعر نو یا نیمایی، شناخته می شود. نثر را نیز می توان به انواع ساده، مسجع، متکلف، تقسیم بندی کرد. این تقسیم بندی ها غالبا بدین خاطر صورت می گیرد که ما بتوانیم آثار ادبی را مورد جزئی تر و تخصصی تر بررسی کنیم.

ادبیات از جهت مفهوم و پیام درونی

از دیدگاه مفهوم و پیام درونی ادبیات را به چهار دسته ی کلی: حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی تقسیم می کنند. هر اثر ادبی (چه نظم و چه نثر) را می توان در یکی از این دسته ها قرار داد. البته ممکن است یک اثر ادبی را بتوان در چند دسته جای داد. اکنون به طور خلاصه به شرح تقسیمات فوق می پردازیم:

ادبیات حماسی (Epic)

حماسه در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است. از فایم ترین و مهیج ترین انواع ادبی است. هر چند حماسه در بادی امر جنگ و پهلوانی و کورگشایی را به ذهن متبادر می کند، اما در آن معانی و مفاهیم متعدد است. حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است. گزارشی است از اوضاع و احوال روزگاران نخست و تاریخ صدر جهان و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند. حماسه از زمانی که ملتی در راه حصول و عظمت و تمدن گام نهاده است سخن می گوید. حماسه را شعر پهلوانی نامیده اند، زیرا در آن سخن از جنگ هایی است که برای استقلال

و بیرون راندن یا شکست دشمن، یا کسب نام و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته است. حماسه مربوط به دورانی است که قبایل و تیره‌های گوناگون متحد شده و اندک اندک تشکیل ملتی داده‌اند، از این رو حماسه هر ملتی بیان‌کننده‌ی آرمان‌های آن ملت است و مجاهدات آن ملت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند. حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل، آن گاه که تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته و شاعر درخ ملت است. در ادبیات ما، شاهنامه‌ی فردوسی جزو آثار حماسی است.

ادبیات غنایی (Epic)

ادب غنایی اشعار است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند. در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بشارت‌الشر و گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده مطرح می‌شود. اما مهم‌ترین قالب آن غزل است. در غزل قهرمان اصلی معشوق است و قهرمان دیگر که عاشق و خود شاعر باشد، معشوق را بهانه کرده و گلایه‌ها و آرزوها و احساسات خود را مطرح می‌کند. در ادبیات ما آثارش چون غزل‌های سعدی، مولانا و حافظ در حوزه‌ی ادب غنایی محسوب می‌شوند.

ادبیات نمایشی (Drama)

ادبیات دراماتیک یا نمایشی یکی از انواع مهم ادبی است و به معنی هنری است که روی صحنه می‌آید. ادب دراماتیک در یونان باستان و روم رواج بسیار داشت. اما در ایران پس از اسلام نمایشنامه نداشته‌ایم مگر این که تعزیه را در

قرون اخیر نوعی نمایشنامه محسوب کنیم؛ نمایشنامه‌یی که سناریوی آن را مردم از پیش می‌دانستند. و یا نقالی و شبیه‌خوانی و امثال این‌ها را در حکم نمایشنامه بگیریم. ادب دراماتیک به دو نوع تراژدی و کمدی تقسیم شده است.

تراژدی (Tragedy)

تراژدی یا غم نامه نمایش اعمال مهم و جدی‌یی است که در مجموع به ضرر قهرمان اصلی تمام می‌شوند؛ یعنی به فاجعه‌ی مرگ قهرمان منتهی می‌شود. مرگی که البته آن‌ها می‌نست بلکه نتیجه‌ی منطقی و مستقیم حوادث و سیر داستان است. در ادبیات ما می‌وان تراژدی رستم و سهراب و رستم و اسفندیار اشاره کرد.

کمدی (Comedy)

کمدی اثری است نمایشی که بر پایه بیننده را به خود جلب می‌کند و باعث سرگرمی می‌شود. هدف از اجرای کمدی مسخره و تفریح است، اما در آن مسایل جدی در پرده‌ی شوخی نشان داده می‌شود. در کمدی شخصیت قهرمانان و شکست‌هایشان بیشتر جنبه‌ی شوخی و شادی و مسخره دارد و معمولاً بیننده توجه جدی نمی‌کند. نمایشنامه‌ی کمیک به این اشکال و بیگانه در ایران وجود نداشته است. اما قطعات کوتاه منظوم یا مثنوی در طنز و استعاره از مفاهید اجتماعی و طبقات و اصنافی از مردم در ادبیات ما هست، مثلاً در آثار مثنوی‌های مشتمل بر طنز و هجو در ادبیات ما کم نیست مثل کارنامه‌ی بلخ سنایی و هم چنین در انواع شعر فارسی نوعی است که به آن شهر آشوب می‌گویند و از فروع هجو است. اما هیچ کدام از این‌ها را نمی‌توان نوع ادبی کمدی محسوب داشت که ذاتاً باید جنبه‌ی نمایشی داشته باشد. تنها مورد مشابه که فقط جنبه‌ی اجرایی

است نه کتابتی، نمایش‌های معروف به تخته حوضی است. در این نمایش بازیگران چون کاکاسیاه با بدیهه گویی‌های خود، موضوعات نمایشی را از حالت ثابت و تکراری خارج کرده هربار به نحوی تازه و سرگرم کننده ارائه می‌دادند.

ادبیات تعلیمی (Didacticism Literature)

ادبیات تعلیمی اثری است که دانشی نظری یا عملی را برای خواننده تشریح کند، یا سبایل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. هدف از خلق ادبیات تعلیمی، آموزش و تعلیم است. بسیاری از شاهکارهای ادبی جنبه‌ی تعلیمی دارند از جمله: مثنوی مولوی، بوستان سعدی و حدیقه‌ی سنایی. بسیاری از آثار خرد را هم می‌توان گفت که جنبه‌ی تعلیمی دارند، زیرا این آثار دیدگاه خواننده را نسبت به مردم و موقعیت‌ها تغییر می‌دهند. اما به آن‌ها ادب تعلیمی اطلاق نمی‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت ادبیات برای بیان احساسات، تفکرات و عواطف بشری به وجود آمده است و سخن پایانی این که آثار ادبی به مجموعه‌ای از آثار مکتوب گفته می‌شود که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را به عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد. کتاب حاضر دست‌آورده‌ی تلاشی مختصر و کوتاه در معرفی برجسته‌ترین شاعران و نویسندگان کلاسیک و معاصر و بخشی از آثار آنان است تا اندکی از ویژگی‌های زبانی و محتوایی میراث گرانمایه‌ی رسولان قلم به نسل امروز منتقل گردد.

صادقی - اسکندری

تابستان ۱۳۹۵